

می‌شود و اصل عقیده پنج پیری به پنجاب و گورونانک (رهبر سیکها؛ ۸۷۳-۹۴۴) می‌رسد (روایت، ص ۱۷ به بعد)، اما باید در نظر داشت که در بنگلادش مذهب سیک چندان شناخته شده نبوده است. لذا می‌توان گفت که برای آغاز فرقه «پنج پیری» نمی‌توان زمان، شخص یا جای خاصی را در نظر گرفت، بلکه این باور بتدریج، به سبب اعتقادات شخصی و گروهی، به صورت یک روش مخفی به وجود آمده است. با اینهمه، به نظر می‌رسد که در حدود قرنهای نهم و دهم، کیش و عقاید پنج پیری در شمال غربی یا پنجاب پاکستان به وجود آمده و آنگاه، با گسترش اسلام در شبه قاره، به اتارپرادش بیهار و بنگال رسیده باشد.

اگرچه هندوان طبقات بالا نیز، مانند مسلمانان تحصیل کرده، پنج پیر را پرستش نمی‌کنند، اما گمان می‌کنند که آستانها یا مقابر آنان مربوط به «پنج پاندو» از مهابهاراتا باشد - بدین شرح که پاندوها در اثنای سفرهای طولانی (دوازده ساله) خود، به مدت کوتاه و در گمنامی، در جاهایی اقامت می‌کردند، و آن نواحی، از آن طریق، به صورت مکانهای مقدس در می‌آمد. پس از فتوحات اسلامی، بعضی از این مکانها به صورت درگاه یا آستانه «پنج پیر» در پاکستان و هند، برای مسلمانان و هندوان، جاهای مقدس و متبرک شد. با وجود آن، هیچ هندویی به طور قطع نمی‌تواند همه این محلها را به پاندوها نسبت دهد، بویژه در بنگال شرقی، که هندوان آن را سرزمینی می‌دانستند که پاندوها از آن قطع تعلق کرده بودند (متر، ص ۷۶۲). لذا تبدیل شدن آستان پاندو به «آستانه پنج پیری» در بنگال شرقی، که تعداد آنها بسیار نیز هست، دستکم متفی است. علاوه بر آن، هیچ نمونه‌ای از تبدیل کردن «آستان پاندو» به «آستانه پنج پیری» در تاریخ هند اسلامی دیده نمی‌شود.

درک این امر نیز مشکل نیست که نام پادشاهانی - مانند ناصرالدین محمود، پادشاه دهلی؛ شمس الدین الیاس شاه، پادشاه بنگال؛ سکندر شاه و غیاث الدین اعظم شاه - در این فهرست، ناشی از احترام و ارادت به آنها باشد. زیرا رعایای هندو و مسلمان، به پاس دینداری و اخلاق و کردار نیک و شجاعت، آنان را مقدس می‌شمردند.

ذکر نام غازی میان (سالار مسعود)، اسماعیل غازی و کالو غازی و دیگران - که دشمنان اصلی کفر و شرک و بت‌شکنان معروف بوده‌اند - در فهرست پنج پیری مسلمانان و هندوان، در نظر اول دشوار به نظر می‌رسد، اما از آنجا که نزد مسلمانان شخصیت غازی بسیار مقدس است احتمال بسیار دارد که مسلمانان نام ایشان را برای مراتب بلند روحانی داخل این فهرستها کرده باشند؛ و چون عقاید پنج پیری رفته رفته به صورت کیشی برای طبقات پایین هندوان درآمد، آنان «غازی‌ها» را نیز مرشد خود دانسته و مانند خدایان هندو، به

پرستش آنها روی آورده‌اند. اصل و حقیقت کیش پنج پیری هرچه باشد، در این مجموعه پنج پیرها، عدد پنج بسیار توجه برانگیز است. باید دانست که در جهان قدیم، عدد «پنج» را مقدس، روحانی و اسرارآمیز می‌پنداشتند (برای تفصیل - د. اسلام، چاپ دوم، ذیل ماده؛ که در آن درباره عقاید هندوان و مسلمانان و دیگر اقوام، شرح مفصّلی داده شده است).

در پی تحولات صد و پنجاه ساله اخیر در میان مسلمانان هند و پاکستان و نهضت‌های اصلاح طلبانه عقیده «پنج پیری» میان مسلمانان شبه قاره، به ضعف گراییده ولی کاملاً از میان نرفته است.

منابع: عبدالرحمان چشتی، مرآة المنداری (تذکره صوفیه)، نسخه خطی کتابخانه بوهار کلکتہ، ش ۸۸ ای. سی. متر، سرل بنگله ابھی دهان، کلکتہ ۱۹۲۸؛

Edward Balfour, *The cyclopaedia of India and of eastern and southern Asia*, 3rd ed., London 1885, repr., Graz 1967-1968, s.v. "Pirzadah", *Census of India*, ed. E. A. Gait, 1901; *EP*, s.v. "Pandj pīr" (by D. S. Margoliouth and J. Burton-Page); [*Encyclopaedia of religions and ethics*, ed. James Hastings, Edinburgh 1980-1981, s.v. "Panchpiriyā" (by W. Crooke), "Panjab and north-west frontier province" (by H. A. Rose)]; M. A. Haqq, *Bangé Sufi Prabhaba*, 1935; *The History of India as told by its own historians*, ed. H. M. Elliot and J. Dowson, London 1867-1877; R. C. Majumdar et al., *An advanced history of India*, London; Muhammad Masti, *Bagindār Itikāhīni*, 1957; "Notes on Shah Ismail Ghazi", *Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal*, vol. 43 (1874); M. T. Titus, *Indian Islam*, London 1930; J. Wise, *Notes on the races, castes and trades of East Bangal*, London 1883.

/ محمد انعام الحق، تلخیص از (د. اردو) /

پنج تن، عنوانی برای حضرت محمد، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام که فضایل و مقامات مشترک و مشابه ایشان سبب امتیاز آنان در میان معصومین چهارده گانه نزد شیعه امامیه شده است. اینان به آل عبا، آل کسا و خمسة طئیه نیز مشهورند.

در آیات و روایات، شهرت پنج تن برگرفته از شأن نزول آیه تطهیر* (احزاب: ۳۳) است. این آیه هنگام گردآمدن پیامبر و اهل بیت وی در زیر عبا یا نازل شد. مفسران شیعه و بسیاری از عامه، اهل بیت پیامبر را در آن زمان منحصر به حضرت فاطمه و شوهر و فرزنداناش دانسته‌اند که در این آیه بدان اشاره شده و آنها

قندوزی، ج ۱، ص ۲۹۰). همچنین در آیه «اَسْتَكْبَرْتُ اَمْ كُنْتُ مِنَ الْعَالِيْنَ» (ص: ۷۵) از «عالین» به خمسۀ طیبه تأویل شده است (بحرانی، ذیل آیه؛ مجلسی، ج ۲۵، ص ۲، ج ۲۶، ص ۳۴۶-۳۴۷). آیات دیگری نیز مطابق بعضی روایات عامه و خاصه به مقام پنج تن اشاره دارد که از آن جمله است: نسا: ۶۹؛ ابراهیم: ۲۴؛ نحل: ۴۳؛ طه: ۱۳۲؛ فرقان: ۷۴؛ ذاریات: ۲۷؛ طور: ۲۱؛ حشر: ۹ (شوشتری، ج ۳، ص ۴۸۲-۴۸۳، ۵۴۲، ۵۶۰، ج ۱۴، ص ۳۷۵، ۳۸۹-۳۹۱، ۵۴۲، ۵۵۰، ۵۹۱-۵۹۳، ۶۳۷، ۶۸۲؛ مجلسی، ج ۲۵، ص ۱۶، ۳۰، ۲۲۰، ۲۴۱، ج ۳۷، ص ۸۳). گذشته از آیات قرآن، در جوامع روایی عامه و خاصه، ابوابی در اختصاصات و مناقب پنج تن آمده است (شوشتری، ج ۵، ص ۴۳-۴۳، ۱۱-۲۲، ج ۱، ص ۲۶۴-۳۱۱؛ شوشتری، ج ۵، ص ۳۷، ۱۱-۲۲، ۴۵-۴۶، ج ۱۸، ص ۳۸۴ به بعد؛ مجلسی، ج ۳۷، ص ۱۰۷-۳۵). در بعضی از روایات نیز جبرئیل ششمین نفر پس از پنج تن (جبرئیل سادسنا) خوانده شده است (قندوزی، ج ۱، ص ۳۲۳؛ مجلسی، ج ۴۲، ص ۶۳، ج ۴۳، ص ۴۹؛ نیز برای فضیلت پنج تن، محبت به ایشان و تعابیری که درباره مقام دنیوی و اخروی ایشان به کار رفته است - مجلسی، ج ۳۷، ص ۳۶-۳۷، ۴۷، ۶۵-۶۴، ۷۵، ۷۸، ۸۴-۸۵؛ حسینی فیروزآبادی، ج ۱، ص ۳۰۰، ج ۲، ص ۷۸، ج ۳، ص ۱۳۳، ۱۳۹-۱۴۱؛ امینی، ج ۲، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ شوشتری، ج ۵، ص ۵۳، ۹۰، ج ۱۸، ص ۳۴۸-۳۵۵؛ تفسیر آیه مودت در زمخشری؛ قندوزی، ج ۲، ص ۶۸، ۲۹۷).

احترام و افتخار به پنج تن در کلمات و احتجاجات و خطبه‌های اهل بیت علیهم السلام نیز به چشم می‌خورد. در بسیاری از مناسبات و معرفیهای افتخارگونه که از ائمه ایراد کرده‌اند تصریح به نامهای خمسۀ طیبه به منزله شاخص در اصالت و حسب و نسب اهل بیت وجود دارد (شوشتری، ج ۵، ص ۲۸-۲۹، ۳۱-۳۲، ۳۹؛ مجلسی، ج ۳۳، ص ۱۸۴، ج ۳۷، ص ۴۸، ۶۶، ج ۴۵، ص ۱۳۸؛ امینی، ج ۱، ص ۱۶۰، ۲۰۹).

برتری و فضیلت پنج تن در میان ائمه چهارده گانه به مدد قرائن ثابت می‌شود. این قرائن همان مناقب مشترک و اختصاصی خمسۀ طیبه است. نیز شهادت امام حسین علیه السلام (۱۶۱ ق) که خاتم پنج تن بوده و در ادعیه و زیارات (مجلسی، ج ۴۵، ص ۲۵۰، ج ۹۸، ص ۱۷۹، ۱۹۶، ۲۳۵، ۳۱۳، ۳۱۸) به «خامس اهل العباء» و «خامس اصحاب الکساء» موسوم است (این القاب برای علی علیه السلام نیز احتراماً به کار رفته است - مجلسی، ج ۶۵، ص ۱۳۰، ج ۹۷، ص ۲۰۵، ۳۰۲، ۳۷۳)، و به منزله وفات همه پنج تن و ازینرو اعظم مصایب تلقی شده است (همان، ج ۴۴، ص ۲۶۹-۲۷۰، ج ۴۵، ص ۸۸). در میان پنج تن نیز ترتیب فضیلت و برتری به دلالت

را به دور از هرگونه پلیدی معرفی کرده است. عناوین آل عبا و آل کسا نیز ناظر به این امر است.

از آیات دیگری نیز فضیلت پنج تن استنباط شده است، از جمله آیه مَبَاهِلَه (آل عمران: ۶۱) که در آن از علی علیه السلام به نفس پیامبر، از حضرت فاطمه علیها السلام به زن برگزیده خاندان پیامبر و از حسنین علیهما السلام به فرزندان پیامبر تعبیر شده است؛ آیات ۵ تا ۲۲ سوره دهر، که به دنبال روزه گرفتن سه روزه علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام و بخشیدن افطار خود در هر سه شب به مسکین و یتیم و اسیر نازل شد و اخلاص و ایثار ایشان ستایش شد؛ آیه مودت (شوری: ۲۳) که در آن مطابق تفاسیر عامه و خاصه مصداق ذوی القربای پیامبر، علی و فاطمه و حسنین علیهما السلام بوده و مودت ایشان اجر رسالت پیامبر قرار داده شده است؛ آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره الزحمن، که در آنها از علی و فاطمه علیهما السلام به دو دریا تعبیر شده است که پیامبر به مثابه برزخی میان ایشان بوده و حسنین علیهما السلام چون لؤلؤ و مرجانی هستند که از ملاقات این دو دریا پدید می‌آیند (شوشتری، ج ۳، ص ۲۷۴-۲۷۹، ج ۹، ص ۱۰۷-۱۰۹؛ مجلسی، ج ۲۴، ص ۹۹-۹۷، ج ۳۷، ص ۶۴، ۷۳، ۹۶؛ سیوطی؛ طبرسی، ذیل آیه؛ آیه ۳۰ سوره بقره، «فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ»، که مطابق بعضی روایات عامه و خاصه در تفسیر این آیه، توسل حضرت آدم علیه السلام به انوار خمسۀ طیبه و خواندن خداوند به اسماء ایشان («کلمات») سبب آمرزش و قبولی توبه وی گردید (شوشتری، ج ۳، ص ۷۶-۸۰، ج ۵، ص ۱۱، ج ۹، ص ۱۰۵-۱۰۲؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۳۲۳-۳۲۸، ۳۳۳؛ حسینی فیروزآبادی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ امینی، ج ۷، ص ۱۳۰۰-۳۰۱؛ طبرسی؛ بحرانی؛ ابوالفتوح رازی، ذیل آیه). در بعضی از این روایات (شوشتری، ج ۵، ص ۴؛ مجلسی، ج ۱۵، ص ۹، ۱۴-۱۵، ج ۲۵، ص ۶، ج ۲۶، ص ۳۲۷-۳۲۸، ج ۳۷، ص ۴۷، ۶۲-۶۳؛ امینی، ج ۲، ص ۳۰۰-۳۰۱) به اشتقاق نامهای پنج تن (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) از اسامی باری (محمود و حمید، علی و عالی و اعلی، فاطر و فاطم، محسن و ذوالاحسان و ذوالاسماء الحسنی) با اختلاف تصریح شده است. نیز در تفسیر و تأویل این آیه و آیه «و اذ ابتلی ابراهیم ربه بكلماتٍ فاتمهن» (بقره: ۱۲۴) علاوه بر تأویل «کلمات» به پنج تن و تأویل «فَاتَمَّهُنَّ» به نه امام از نسل امام حسین علیهم السلام، مناقب و فضایل عدیده‌ای در شأن آل عبا نقل شده است (برای نمونه - بحرانی؛ طبرسی، ذیل آیه مذکور؛ شوشتری، ج ۳، ص ۷۹، ج ۵، ص ۲۶۲-۲۶۵، ج ۷، ص ۱۸۰-۱۸۳، ج ۱۸، ص ۳۴۴-۳۴۷؛ مجلسی، ج ۲۵، ص ۳۰۲، ۱۶-۱۷، ج ۲۶، ص ۲۷۳، ۳۱۱-۳۱۲، ۳۲۲-۳۲۷، ۳۴۳؛ حسینی فیروزآبادی، ج ۱، ص ۲۰۷؛ امینی، ج ۲، ص ۳۰۰-۳۰۱؛

بعضی اخبار تا حدودی روشن است. آنچه مسلم است پیامبر بر سایر پنج تن و امیرالمؤمنین بر فاطمه و حسنین علیهما السلام برتری دارند (همان، ج ۲۶، ص ۲۷۲، ج ۳۷، ص ۷۵، ۸۷، ج ۳۹، ص ۹۰-۹۲) و در افضلیت فاطمه بر حسنین یا بالعکس اختلاف است (آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۳۵۹؛ میرزای قمی، ج ۲، ص ۷۸۵؛ مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۶۴، ج ۴۵، ص ۳).

منابع: علاوه بر قرآن؛ محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳؛ ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد ۱۳۷۵؛ عبدالحمید امینی، القدر فی الکتاب و السنة و الأدب، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، قم [بی.نا.]؛ مرتضی حسینی فیروزآبادی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۲؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت [بی.نا.]؛ نورالله بن شریف الدین شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، با تعلیقات شهاب الدین مرعشی، چاپ محمود مرعشی، قم ۱۳۷۷؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمدبن عمر فخررازی، التفسیر الکبیر، قاهره [بی.نا.]، چاپ انست تهران [بی.نا.]؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة ليدوي القري، چاپ علی جمال اشرف حسینی، قم ۱۴۱۶؛ محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابوالقاسم بن محمدحسن میرزای قمی، جامع الشتات، چاپ سنگی تهران ۱۳۷۷.

/ محمدنقی ملازاده /

پنج تن در اعتقادات و ادبیات و فرهنگ عامه. ترکیب «پنج تن» به لحاظ اهمیت و تقدس نسبی جزء اول آن، «پنج»، در آیینها و ادیان مختلف، در خور توجه است (دایرةالمعارف دین، ۱، ذیل "numbers"؛ فرهنگ باورها و ادیان، ۲، ذیل «five») و در مواردی از باورها و احکام اسلامی از قبیل پنج پیامبر اولوالعزم، پنج رکن ایمان و پنج وقت نمازهای یومیه نیز به کار رفته است. با وجود این، ادعای وجود ارتباط میان اهمیت و تقدس عدد پنج و شأن والا و تقدس پنج تن در باورهای شیعی مواجه نمی‌نماید.

فضل و برتری ویژه پنج تن از میان چهارده معصوم علیهم السلام در اعتقادات شیعی (همین مقاله، قسمت پیشین) تا بدان پایه است که حتی، به گزارش کتب ملل و نحل، پیروان فردی به نام شریعی، از غلاة، معتقد به الوهیت پنج تن بوده‌اند (اشعری، ص ۱۴؛ بغدادی، ص ۲۵۲، ۲۵۵-۲۵۶). همچنین، به نوشته کُشی (ص ۳۹۹-۴۰۰) بشّار شعیری*، از

پیروان امام صادق علیه السلام، به الوهیت پنج تن معتقد بوده است، و صاحبان چنین اعتقادی را مخمّسه* نامیده‌اند.

در ادبیات شیعی، قدر و اهمیت پنج تن در مدایح و مناقب و نیز در قالب توسّل به مقام و منزلت والای ایشان در اجابت دعا بازتاب یافته و غالباً از ایشان با عناوین آل رسول، بنی فاطمه، خمسة آل عبا، خمسة طیّبه یاد شده است (به عنوان نمونه - سعدی، ص ۳۶). اما می‌توان به مدح سنایی (ص ۶۴۵) و ناصر خسرو (ص ۱۲۹) نیز اشاره کرد که به طور ویژه و با ذکر هریک از این پنج تن، به آنان نظر داشته‌اند. از جمله اشعاری که در توسّل به ایشان می‌توان نام برد شعر ابن داغر (متوفی ۹) و شیخ حرّ عاملی (متوفی ۱۱۹۰) است (امینی، ج ۷، ص ۲۹-۳۰، ج ۱۱، ص ۳۳۲-۳۳۴). همچنین، از برخی علمای عامّه اشعاری در توسّل به پنج تن و ارجوزه‌هایی در گزارش حدیث کساء موجود است (شوشتری، ج ۲، ص ۵۱۳-۵۱۸، ۵۵۸-۵۶۲، ج ۹، ص ۶۹۵، ج ۱۴، ص ۵۷). در زبان اردو نیز در شرح مصائب پنج تن و موضوعات دیگر مربوط به ایشان آثاری نوشته شده است (نقوی، ج ۲، ص ۲۱۰، ۴۵۸، ۴۹۸؛ خلیل تنوی، ص ۵۸).

در برگزاری مراسم دینی و فرهنگ عامّه شیعه جلوه‌های گوناگونی از حضور پنج تن و نمادهای آن یافت می‌شود. با توجه به روایات متعدد در شأن والای پنج تن، استمداد و توسّل به ایشان در ابتدای دعا امری متداول است (برای نمونه روایات - مجلسی، ج ۱۱، ص ۳۳۹-۳۴۸، ج ۱۳، ص ۳۰۱، ج ۲۶، ص ۳۱۹ به بعد، باب «أَنَّ دعاء الانبياء استجيب بالتوسل والاستشفاع بهم صلوات الله عليهم اجمعين»، حدیث ۶-۳، ۸-۱۰، ۱۴-۱۵، ج ۴۴، ص ۲۳۰، ج ۹۵، ص ۱۳۷؛ قندوزی، ج ۱، ص ۲۹۰). در مجالس عزاداری و اطعام، پنج مشعل کوچک یا شمع به عنوان نماد و نشانه پنج تن افروخته می‌شود، همانگونه که دوازده یا چهارده شمع روشن تمثیلی از دوازده امام یا چهارده معصوم به شمار می‌رود (شکورزاده، ص ۴۹). پنجه دست فلزی به عنوان نمادی از پنج تن آل عبا - که گاه اسم ایشان بر روی آن نوشته یا حک شده است - بر سر عَلم و کُتل، پرچمها و کاسه‌های آب در مراسم عزاداری به کار می‌رود.

قسم دادن به حق پنج تن و نگاشتن نام ایشان بر روی انگشت برای مصونیت از آسیبهای پیش‌بینی‌ناپذیر (شاملو، ص ۷۹۵، ۱۰۲۶) و نیز نصب الواحی با طرحهای گوناگون بر سردر اماکن عمومی و منازل رایج است. غالباً نام الله در بالا و در پایین آن در دو طرف نام محمد و علی، در وسط فاطمه و پایتتر، در دو طرف، نامهای حسن و حسین علیهم السلام نوشته

به بعد وارد زبان فارسی شده است (دهخدا، ذیل واژه: پرهان، ذیل «پنجره») و ظاهراً بعدها معنایی عام یافته و به هر نوع دریچه اعم از مشبک و غیرمشبک و با هر نوع جنس اطلاق شده است. در دوره زندگی و قاجاریه، پنجره به معنای دریچه‌های مشبک فلزی به کار رفته است. واژه روزن، از روچن پهلوی به معنای سوراخی که از آن نور و هوا داخل اتاق می‌شود، پیش از پنجره در زبان فارسی رایج بوده (دهخدا، ذیل «روزن») و احتمالاً به دریچه‌های غیرمشبک اطلاق می‌شده است. در دوره‌های بعد انواع خاصی از پنجره‌ها را به این نام خوانده‌اند (به ادامه مقاله). واژه اُرسی نیز به نوعی پنجره چوبی رایج در دوره زندگی و قاجاریه اطلاق می‌شود (به سطور بعد). همچنین واژه‌هایی چون پاچنگ (دهخدا، ذیل همین واژه: پیرونا، ص ۳۱۷)، داؤآقزین (پنجره‌هایی با صفحه مشبک چوبی) قُخرومُتَین (پنجره‌هایی با صفحه مشبک آجری) در دوره زندگی و قاجاریه آمده است (عطارزاده، ص ۴۰).

در معماری اوایل دوره اسلامی کاربرد پنجره اندک و معمولترین نوع آن در سرزمینهای عربی - کوه بود. کوه دریچه‌ای کوچک و باریک بود که غالباً نزدیک سقف ساخته می‌شد (د.اسلام، چاپ دوم، ذیل «دار»؛ غالب، ذیل «کوه»). ظاهراً رعایت حریم خصوصی دیگران، از دلایل کاربرد اندک پنجره در معماری اسلامی بوده است. بنابر روایتی، اتاق خارجه بن حُذافه در فسطاط پنجره‌هایی به‌سوی کوچه داشت و هنگامی که خبر آن به عمر رسید، ناظری فرستاد تا در صورت اشراف به بیرون آنها را خراب کنند (ابن دقماق، قسم ۱، ص ۶). واژه کوه نیز مانند روزن در زبان فارسی معنایی خاص یافته و امروزه تنها به پنجره‌هایی گفته می‌شود که بیشتر در مأذنه‌ها تعبیه می‌شود (شهابی، ذیل «کوه»). واژه‌های نافذه، قَمَریه، قَنَدَلِیه (به سطور بعد) و مشربیه* نیز برای انواع مختلف پنجره در دوره‌های بعد و در سرزمینهای عربی به کار رفته است.

پنجره در قلعه‌ها، قصرها، مساجد و بناهای عمومی برای گسترش زاویه دید از سمت خارج گشاد و بزرگ، و برای معانعت از تابش مستقیم نور خورشید از داخل تنگ و کوچک ساخته می‌شد، چنانکه در قصر الزهراء (حقرن چهارم) عرض برخی از پنجره‌های قصر از داخل نیم متر و از خارج دو برابر بود (غالب، ذیل «نافذه»). پنجره باروهای قلاع و دژها که به مزغل شهرت داشت، از خارج تنگ و از داخل گشاد ساخته می‌شد (رزق، ذیل «نافذه»؛ نیز به قلعه*). پیداست که احداث این نوع پنجره‌ها تنها در دیوارهای ضخیم ممکن بود. درباره کاربرد شیسه در پنجره اطلاعات اندکی وجود دارد.

می‌شود که به نوعی بر محوری بودن و مرکزیت حضرت فاطمه در میان پنج تن تأکید دارد. در اسامی مقبره‌ها، امامزاده‌ها و اماکن مقدس نیز به عنوان «پنج تن» برمی‌خوریم، از جمله امامزاده پنج تن در شهرهای گرمسار، آمل و استرآباد (رابینو، ص ۷۴، ۱۱۶؛ نیز به بش قارداش*).

منابع: علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، چاپ هلموت ریتز، ویسبادن ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛ عبدالحسین امینی، القدير فی الکتاب و السنة و الادب، ج ۷، ۱۱، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ عبدالفاهین طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت [بی تا]؛ محمد ابراهیم خلیل توی، تذکره تکملة مقالات الشعراء، چاپ حسام‌الدین راشدی، کراچی ۱۹۵۸؛ یاست لویی رابینو، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران ۱۳۶۵؛ مصلح بن عبدالله سعدی، بوستان سعدی: سعدی‌نامه، چاپ غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۶۳؛ مجدودین آدم سنایی، دیوان، چاپ محمد تقی مدرس رضوی، تهران ۱۳۴۱؛ احمد شاملو، کتاب کوچه، تهران ۱۳۷۲؛ ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسان، تهران ۱۳۶۳؛ نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، با تعلیقات شهاب‌الدین مرعشی، چاپ محمود مرعشی، قم ۱۳۷۷؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة و لیدوی القری، چاپ علی جمال اشرف حسینی، قم ۱۴۱۶؛ محمدبن عمرکتی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمدبن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۲۸؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ ناصرخسرو دیوان، چاپ مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران ۱۳۶۸؛ حسین عارف نقوی، بر صغیر کی امامیه مصنفین کی مطبوعه تصانیف اورتراجم، اسلام آباد ۱۳۷۶؛

Dictionary of beliefs and religions, ed. Rosemary Goring, Great Britain 1992; The Encyclopedia of religion, ed. Mircea Eliade, New York 1987, s. v. "numbers: an overview" (by Annemarie Schimmel).

/ لیلا هوشنگی /

پنجره، دریچه و شکافی بر دیوار و گاه سقف ساختمان، برای تهویه و تأمین نور.

ویژگیهای پنجره، از جمله شکل و اندازه آن، و نحوه کاربردش، بسته به شرایط اقلیمی و وضع فرهنگی هر منطقه متفاوت بوده است. واژه پنجره از Panjara سانسکریت به معنای قفس (مونیر - ویلیامز، ص ۵۷۵) گرفته شده و در اردو به صورت Pinjra به همین معنا آمده است (شهریار نقوی، ذیل «پنجره»). این واژه به معنای دریچه مشبک احتمالاً از قرن چهارم